

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه زلزال (جلد هفتم)

نخستین مفهومی استاد اخوت ۱۳۰/۱۰/۹۶

برای سلامتی خودتان و عافیت و تندرستی همه شیعیان عالم صلواتی ختم بفرمایید.

برای این که ان شاء الله همه توفیق پیدا کنند که به عمل صالح بپردازند، صلواتی دیگر بفرستید.

قصده این بود که سوره مبارکه بینه را شروع کنیم. منتها قبل از آن اول کتاب «عمل» را که دوستان زحمت کشیده‌اند نگاهی بیاندازیم و بعد هم موضوعاتی که تا الان بحث شده است را کمی کاربردی‌تر مطرح کنیم که اگر کسی در ذهنش احتمالاً مشکلی بوده و متوجه نشده، بتواند عملیاتی متوجه آن شود. با مثالی مطرح شود و فردی با توجه به زندگی خود مثالی مد نظر بیاورد.

رونمایی از کتاب «عمل»

کتابی که بنا بود برای سوره قارعه و بحث عمل نوشته شود تبدیل به کتابی شد به نام «چهل اقدام در صالح‌سازی اعمال». که یک پیشگفتار دارد و برای صالح‌سازی اعمال سه محور پیشنهاد شده که این سه محور عبارت است از:

(۱) انطباق عمل با حق

(۲) ارتقای عمل با علم و ایمان: یعنی مرتبط این عملی که انجام می‌دهد باید با علم و ایمان در مراتب مختلف ارتقاء یابد.

(۳) تکرار عمل تا رسیدن به نتیجه

این سه محور به دست آمد. هر عملی که انجام می‌شود به شرطی صالح است که با حکم خدا، یا حق (مراتب دارد) انجام شود و پشت آن علم و ایمان باشد. تکرار عمل نیز مهم است؛ یعنی رها نشود. حق، صدق می‌آورد و صدق هم صالح و این‌ها جریان می‌یابند.

این چهل مورد را می‌توانید تیتروار ببینید:

مقدم دانستن خواست خدا بر خواست خود، توضیحی دارد و روایت، تمرین و ارزیابی آمده است. اقدام دوم نیز به همین ترتیب است. یعنی هر کدام از این اقدام‌ها با توضیح، روایت، تمرین و ارزیابی است. پیش که برود هر قدم از اقدامات روایاتشان بیشتر می‌شود، مثل اهتمام به قرآن و مواردی از این دست.

محکم کردن عقاید، روایت و تمرین دارد. ممکن است روایات متعدد باشد. سپس ارزیابی دارد. در واقع هر کسی متناسب با مطالبی که در روایات است، می‌تواند ارزیابی انجام بدهد. البته ممکن است جای پرداختن بیشتری داشته باشد ولی خود این روایات که ورود پیدا می‌کند و در واقع به سمت تمرین و ارزیابی می‌رود، مهم می‌شود. مثلاً شما این روایات را زیاد دیده‌اید، ولی این که در موردش سؤال داده شود، مصادیق مشخص شود و وضعیت فرد ارزیابی شود مهم است زیرا تاکنون افراد چنین رویکردی به روایات نداشته‌اند.

مثلاً خداوند «علم» را از «عبادت» برتر قرار داده است و برترین انسان‌ها کسی است که «ورع» دارد. این یعنی چه؟ این روایت خیلی واضح است. حال که متوجه شدید پس بگویید که مصادیق علم و عبادت و ورع‌ورزی چیست؟ بعد می‌بینید که ورع بر علم و عبادات سیطره دارد، پس افضل دینکم الورع. چرا؟ وقتی مصادیق‌یابی می‌شود، واضح می‌شود. و به همین صورت باقی روایات.

انشاءالله که بتوانیم به این روایات عمل کنیم. اولین حُسن این کتاب این است که کسی این کتاب را می‌خرد و می‌خواند یا می‌خواند و می‌خرد، در اصل دارد به خودش می‌گوید که من باید اهل عمل باشم و معلم را ارزیابی کنم. دومین خصوصیت این است که انسان وقتی خصوصیتی را در روایت می‌بیند باعث می‌شود که خودش را بشناسد حال یا خوب است یا بد. ما خیلی وقت‌ها می‌گوییم خوب هستیم ولی نمی‌دانیم چرا، یا می‌گوییم بد هستیم ولی ملاکی نداریم. ولی بر طبق این کتاب ما می‌گوییم براساس این روایت ما خوب هستیم و طبق این روایت بد هستیم.

ما در حال پرسشنامه کردن این اقدامات هستیم، که هر کس تمایل داشته باشد می‌تواند در این باره همکاری کند. مثلاً برخی روایات است که شما می‌گویید اصلاً شامل حال من نمی‌شود، پس خوب است که ما از آن براثت بجویم؛ مثلاً منت گذاشتن خیلی بد است. همین که حس براثت به انسان دست بدهد خوب است، این که بداند که برخی از صفات نزدیک خیلی از صفات دیگر است، مثلاً مادر یا پدری کاری برای کسی کرده است، یتیمی را

دستگیری کرده و حالا او بزرگ شده است، باید بدانید که اگر در حال منت گذاشتن هستید، براساس روایت شبیه عمل دائم‌الخمر است. نوعاً روایاتی که چنین است برای رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است و شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند و این‌گونه نیست که شیعیان به روایت آب بسته باشند! برخی از این دست روایات، اعتبارسنجی بین صفات است. ما نباید کاری به دیگران داشته باشیم که فلانی منت گذاشته یا نه و نباید قضاوت کنیم ولی راجع به خودمان می‌توانیم قضاوت کنیم. مواظب باشید رودست نخورید! مثل همان داستانی که همه کسانی که نماز می‌خواندند یکدیگر را توبیخ کردند که چرا در نماز حرف زدید و آخرین نفر هم گفت خوش به حال من که در نماز حرف نزدم! پس احتیاط کنید. مواظب باشید. این روایات را برای خودتان می‌خوانید و حق قضاوت برای دیگران را ندارید. برخی‌ها فکر می‌کنند که ما این چیزها را ندیده‌ایم.. برای ما زمانی بدیهی بود که پدری بچه‌اش را با کمر بند بزند و بعد بچه پای پدرش را بیوسید. افراد این دوره تعجب می‌کنند. ما نیز بیشتر متعجب فرهنگ‌های امروزی در ارتباط با پدر و مادر هستیم.

انشاء‌الله این کتاب بتواند عواقب ما را ختم به خیر کند. کتاب نفیسی است. الحمدلله ما تا از عمل خارج نشدیم به دست ما رسید. به نظرم نشانه خوبی در انجام کارهای خیر است.

هر کسی قلم و کاغذی آماده کند، می‌خواهیم تمرین بدهیم. فکر کنید که این یک کارگاه عملی است. ما یک‌سری نتایجی از سوره مبارکه زلزال گرفتیم:

• وقوع زلزله و عیان شدن اثقال و آن‌گاه رؤیت عمل؛ چه خیر و چه شرّ.

در واقع سوره زلزال، برهم‌خوردن ساختار حیات و امکان از خطاب درآمدن اعمال و آنگاه رؤیت عمل را مطرح می‌کند.

حقیقت زلزال مربوط به قیامت است ولی ممکن است در همین دنیا، فردی همین امروز و همین لحظه زلزله‌ای در درونش ایجاد شود. هر چند مصداق اتمش قیامت است اما به مصادیق دیگر هم می‌تواند ختم شود.

از طرفی خودشناسی واقع‌گرایانه نسبت به عمل، موقعی برای فرد به وجود می‌آید که شرایط زندگی‌اش به هم بخورد، یکی از فلسفه انواع بلاها همین است که زندگی از حالت عادی خارج می‌شود که اعمال رو می‌آید و این جریانی در خودشناسی ایجاد می‌کند.

در منطق سوره زلزال، نظامی از خودشناسی مبنی بر رؤیت اعمال اتفاق می‌افتد و در جلسات اخیر به این مطلب پرداختیم.

• عمل متناسب با زمان بُعد پیدا می‌کند: از پدیدار شدن تا نتیجه

که اوقات مغرب تا عصر را بررسی کردیم. براین اساس اعمال در مراتبی قرار دارد که جلسه پیش گفتیم که مثل ساعتی است که دقیقه در ساعت و ساعت در روز و غیره قرار دارد. که راجع به تلفیق این موارد صحبت کردیم.

مواردی که عرض می‌کنم با مثال نیستند، هر کس برای خودش مثال بزند و احساس کنید که سیاه مشق می‌کنید. اکنون و قبل را که نمی‌دانستید چه تفاوتی کرده است را هر کسی متناسب با خودش بررسی کند.

(الف)

اولین کاری که می‌کنید این است که یک روز خود را (هر روزی که می‌خواهد باشد، گذشته، حال یا آینده)، ۲۴ ساعت از زندگی خود را مجسم کنید که کامل باشد. یعنی یک دور شب و روز باشد. فرقی نمی‌کند چه زمانی باشد اما زمانش مبهم نباشد و از طرفی هم معلوم کنید که مثلاً شنبه چه تاریخی است، مثلاً ۲۴ دی. هفته و سالش مشخص باشد.

لطفاً همه این کار را انجام بدهند، هر چه واقعی‌تر باشد به نفع خودتان است. تخیلی نباشد. گاهی افراد می‌خواهند حتی در تمرین هم خیال‌پردازی داشته باشند! برخی‌ها همیشه دلشان می‌خواهد که در آینده باشند اما سعی کنید که واقعی باشد. پس ترجیحاً چیزی باشد که انجام شده است.

الان یک روز را با تاریخش مشخص کنید.

(ب)

آیا معنای امتداد یک عمل را متوجه شده‌اید؟ عملی که دارای امتداد است را در ذهنتان داشته باشید. چون سوال بعدی این است که عملی که امتداد دارد را مشخص کنید.

عملی که دارای امتداد است یعنی آغازش معلوم است، سیرش مشخص است و نتیجه‌اش هم مشخص است.

یعنی اگر کاری را تا این جا به نتیجه نرسانید یعنی آن کار را انجام نداده‌اید. مثلاً جنسی را سفارش داده‌ام، قرار است بیاورند، مثلاً یخچالی به مبلغ فلان قدر، خریدار و فروشنده و عمل خرید یخچال مشخص است. مثال امتداد عمل چنین است، آغارش این بود که سفارش دادیم و خرید و فروش تا زمانی است که من پول را واریز می‌کنم و سفارش را تحویل می‌گیرم، این ممکن است نصف روز طول بکشد، ولی ریز عمل‌های زیادی دارد. یعنی در یک بازه زمانی تحقق پیدا می‌کند.

یک سری از اعمال چنین نیستند، بلکه لحظه‌ای هستند و به این نحو امتداد ندارند ولی برخی دیگر در ذاتشان امتداد دارند.

برخی اعمال خودشان لحظه‌ای هستند اما توسط صفتی تبدیل به امتداد می‌شوند، مثلاً سائلی از شما پولی می‌خواهد و شما به او پول می‌دهید، این کار لحظه‌ای است اما صفت بخشندگی من امتداد دارد.

پس سه دسته داریم:

- برخی اعمال به طور واضح امتداد دارند و زمان در آن‌ها دخیل است.
- برخی اعمال به طور واضح لحظه‌ای هستند.
- برخی اعمال با این که لحظه‌ای هستند اما امتداد دارند.

در این ۲۴ ساعت تنها اعمالی را بگویید که امتداد داشته‌اند. مثلاً عمل شما دو سال است که در حال انجام بوده و به نتیجه نرسیده است. مثال امتداد این است که شما سال سوم لیسانس هستید اما هنوز لیسانس نگرفته‌اید. پس اعمالی که در این ۲۴ ساعت دارای امتداد هستند را مشخص کنید. تعدادش را بنویسید.

اول شب و روزتان را مشخص کنید.

شما روز دارید که ۲۴ ساعت است، عمل‌هایی که امتداد دارد یا برای گذشته بوده است که تمام شده یا برای گذشته بوده اما تمام نشده است. مثلاً کتاب عمل از سوره قارعه شروع شد و تا امروز که تمام شد. مثلاً کلاس شنبه‌ها، یک روز آمده‌اید و به هر حال یک روز هم تمام می‌شود، یا شما نمی‌آیید یا کلاس تمام می‌شود. می‌توان گفت این امتداد کاری است که فلان زمان شروع شده است. چند عمل‌تان را رصد کرده و یادداشت کنید و بعد راجع به چند و چون آن گفت و گو کنیم.

در شما به نسبت جلسه اولتان خیلی تفاوت حاصل شده است و در اینکه هر عملی از ریز عمل‌هایی تشکیل شده است، شکی نیست. فعلا سوالمان این است که اعمال دارای امتداد را در این یک شبانه روز مشخص شده‌تان، لیست کنید.

(ج)

فرض کنید شبانه ۳۰ دی را انتخاب شد. اعمالی که انتخاب کردید نسبتش را در یک هفته مشخص کنید. برخی را می‌شود در یک هفته بین آن‌ها نسبت برقرار کرد و برخی را نمی‌توان. مثلا کلاس شبانه یک جلسه در هفته است.

از بین این اعمال، اعمالی که در این شبانه روز در امتداد هفته هستند را مشخص کنید یعنی هر روز از چهارشنبه قبل تا سه‌شنبه بعد آن، اعمالی را که انجام می‌دهید را معین کنید. یک جدول بنویسید که یک هفت‌تایی در آن است و بعد مشخص کنید که این عمل در مثلا دوشنبه و سه‌شنبه هم گسترش دارند.

برخی اعمال هستند که در یک ماه گسترش دارند. یعنی اگر شبانه یک کلاس داریم. در واقع هفته دوم ماه، هفته اول ماه، هفته سوم و چهارم ماه را هم بررسی می‌کنید که آیا این عمل در شبانه‌های هفته‌های دیگر نیز گسترش دارد یا خیر. یعنی این قسمتی در ماه پیدا می‌کند.

حال از بین این اعمال آن‌هایی که امتداد هفتگی دارند؛ یعنی در هفته تکرار می‌شوند را مشخص کرده و علامت بزنید.

عمل	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
...				•			

پس امتداد برخی اعمال هفتگی، برخی ماهانه و برخی سالانه است.

مثال: شما برای پیاده‌روی اربعین، اول هوایی و بعد با اتوبوس و بعد پیاده و حتی ممکن است سوار تریلی شده باشید. همه این‌ها نشانه آن است که شما در حال انجام عمل پیاده‌روی اربعین هستید.

بعضی از اعمال هستند که امتدادشان تا آخر عمر است مثل قرآن خواندن. منتها ممکن است در هر بستری شکل آن متفاوت می‌شود اما عمل قرآن خواندن است که شروعش از موقع یاد گرفتن قرآن است و نهایتش هم تا مرگ است.

ما وقتی شروع می‌کنیم تا کتابی را بنویسیم، در واقع هر روز آن کار را انجام می‌دهیم تا تمام شود. ولی متوقفش نمی‌کنیم. برخی‌ها می‌گویند که فقط شنبه‌ها کار پژوهشی می‌کنیم و بقیه روزها کار دیگری می‌کنند مثل کانگرو. برخی‌ها گام به گام هر روز انجام می‌دهند و این بستگی به آدم‌ها دارد. برخی‌ها نظم مشی دارند که قدم به قدم می‌روند و برخی‌ها دو پا می‌گذارند و دو پا برمی‌دارند و شما براساس این امتدادها می‌توانید شخصیت‌شناسی کنید. دو حالت کلی است، یا قدم به قدم می‌رود یا پاهایش جفت جفت می‌رود. این مطلب خیلی جالب است و شاکله‌ای است. به همین دلیل یک فرمول کلی داده نمی‌شود. ممکن است کسی بتواند طور دیگری باشد. فرمول خدا بمیر و بدّم است؛ یعنی تو برو، حالا هر طور که می‌توانی.

(د)

از بین این اعمال آن عملی که امتداد بیشتری دارد، ماهانه یا سالانه است، یکی را به اختیار خودتان انتخاب کنید.

(ه)

این عملی که انتخاب کردید، مشخص کنید که شروع کار، استمرار یا پایان آن است.

آن کارهایی که پایان ندارد در حال حاضر در مرحله استمرار هستند.

(و)

حالا بررسی کنید که آیا این کار نزدیک به شروع است؟ یا به شروع رسیده است؟

نوع اول استمرار: هر کاری که نتوانسته کار جدیدی تولید کند اما خوب پیش رفته است، می‌گوییم استمرار نزدیک به شروع. کارهایی که امتداد دارند و خوب پیش‌رونده باشند، کارهای شبیه به خود را شروع می‌کنند و اگر عمل دارای امتداد باشد، قاعدتا باید در پس استمرارش کار جدیدی تولید کند و اگر نکرد یعنی نزدیک به شروع است.

نوع دوم استمرار: استمرارهایی که منجر به تولید شده است.

پس کاری که امتداد دارد در کدام مختصات است؟

۱. شروع

۲. استمرار شروعی

۳. استمرار تولیدی

۴. پایان

(ز)

از کارهایی که امتداد دارد دو کار را انتخاب کنید و مختصاتشان را بیان کنید. ممکن است یکی شروع و یکی پایان باشد.

این جا که می‌رسیم مشکلی ایجاد می‌شود. اشکالاتی که ممکن است در این تمارین باشد:

اولا ما نوعا برای کارهایمان پایان در نظر نمی‌گیریم. یعنی همه کارهایمان باز است. انتها ندارد. این اشکال اول است. وقتی می‌گوییم نسبت را بسنج، باید پایانش مشخص باشد. پس **مشکل اول** در نوع برنامه‌هاست. برنامه انتها ندارد. انتهای زمانی برای ما مهم نیست، انتهای نتیجه‌ای مهم است. مثلا ما تدبر در قرآن می‌خوانیم، غایتش که چه؟ می‌گوید که تا قیامت می‌خواهیم بخوانیم. ما داریم فلان کار اجتماعی را انجام می‌دهیم، ولی انتها ندارد. وقتی کاری انتها ندارد یعنی کار من ارزیابی کردنش سخت است. پس اعمال باید تعریف شده باشد یعنی «از ... تا ...» داشته باشد. یعنی اگر من گفتم «من می‌روم فلان موسسه تدبر در قرآن» من «از ... تا ...» دوره عمومی می‌خواهم بروم. الان هم ترم اول هستم. یعنی باید انسان این قدر دقیق باشد که انتهای اعمال را ببیند. برای همین است که خداوند این قدر تاکید می‌کند که کارهایتان عبث و بدون غایت نباشد. ما مشخص نیست که کارهایمان کجای کار است. ما مثل گیاه نیستیم، گیاه را از لایه‌هایش می‌توان فهمید اما در مورد ما مشخص نیست که چند سال تدبر می‌خوانیم و چه شد که در این بخش کار هستیم. فیوضات الهی به گونه‌ای است که برای هر کاری ابتدا و انتها قرار داده است.

مشکل دوم این است که خیلی کارها شروع شده اما به انتها نرسیده است. مثلا نگاه می‌کنید که این کارها هنوز به نتیجه نرسیده، قطع شده است.

مثلا اگر قرار شد من سیر مطالعاتی شهید مطهری داشته باشم، این برنامه ابتدا و انتها دارد و من هدفی دارم که با دیدگاه‌های غرب و شرق آشنا شوم و نیز اینکه رهبری فرمودند که کتب شهید مطهری بدون استثنا سودمند هستند. مثلا من از شما می‌پرسم که شما کتب شهید مطهری را خواندید؟ می‌گویید بله چند سال پیش. می‌پرسم می‌دانید که راجع به فلان چیز چه چیزی نوشته بودند و نظرشان راجع به فلان چیز چه بود؟ می‌گویید نه ما که کتاب نمی‌خوانیم که این‌ها را به ذهن بسپاریم. راستش ما سه کتاب از ایشان خواندیم و بعد دیگر رها کردیم و آمدیم مدرسه قرآن! می‌گوییم بسیار خوب، پس مدرسه قرآن به شما چه چیزی داد؟ می‌گویید قرار شد سیر موضوعات علامه (ره) را بدانیم. می‌پرسم آیا یاد گرفتید؟ می‌گویید نه، فقط روش‌ها را خواندیم!

این‌ها همه یعنی کارهای رها شده و به ثمر نرسیده! همه افرادی مثل ابن سینا و خوارزمی که فکر می‌کنیم نابغه بودند به خاطر آن بود که یک سیر را مستمر رفتند.

نابغه کیست؟ آن‌که بتواند اعمالی را به طور پیوسته پیش برود و تا اتمام آن رها نکند. ابن سینا تا کتابی را نمی‌فهمیده، رها نمی‌کرده است. طب ابن سینا، طب یونانی بوده که تبدیل به فهم شده است. در غرب اگر بخواهند طب یونانی درس بدهند، کتب ابن سینا را درس می‌دهند.

پس دو اشکال وجود دارد:

اول این که اعمال انتهایش مشخص نباشد. غایت مقدمات تدبیر چیست؟ برخی می‌گویند که ما آمدیم قرآن بخوانیم و کاری نداریم که غایتش چیست. این حرفها تعجب‌آور است. بدانید که هر عملی شب و روز دارد. خداوند شب را در پی روز و روز را در پی شب خلق کرده است (مطابق سوره مبارکه قصص). نمی‌شود که هم‌اشار شروع یا پایان باشد.

پس همین یک روز که شنبه است را بررسی کنید. قصد داریم برویم سراغ دعا‌های هفته. اگر کسی یک هفته‌اش درست شود، سیرش درست خواهد شد.

پدر و مادری که بچه‌دار می‌شوند باید برای کودک دوره‌هایی مشخص کنند و بدانند که انتهای دوسالگی، کودک باید به چنین غایتی رسیده باشد و تربیت را شروع کنند. ممکن است بگویید که آقا ما قرار است فقط خوبی یاد بدهیم، همین! نمی‌شود بدون غایت تربیت کرد. تربیت یعنی غایت دوره را بدانید و براساس غایت آن دوره برنامه‌ها

را بچینید و بعد از رسیدن به ایستگاه، بررسی و ارزیابی کنید. هر موضوعی که شما مطرح کنید را، می‌توانیم بررسی کنیم که شروعش، نقطه اوجش و پایانش چیست.

اگر بچه‌ای در سال اولش سواد خواندن و نوشتن را از دست بدهد، سال‌های بعد عقب می‌افتد. ممکن است بگویید که بچه من ۴ ساله است و این قدر باهوش است که من می‌خواهم به او سواد یاد بدهم. یا سواد به او یاد نده یا او را به مدرسه نفرست چون بعدا هوش اجتماعی‌اش افت پیدا می‌کند.

از بین افرادی که کاری را رها می‌کنند غالب‌شان به این دلیل است که فکر می‌کنند کار بهتری پیدا کرده‌اند و برخی هم به خاطر آن است که تنبلی می‌کنند. بعضا افرادی که باهوش هستند، فکر می‌کنند کار بهتری وجود دارد.

نشانه‌های استمرار در یک مسیر این است که فرد کارهای مشابه بهتر می‌بیند، این یعنی نزدیک به خط پایان است، البته در کارهایی که غایت‌مند است و نه این که ابتر باشد. اشکالی ندارد آن‌ها کارشان را انجام بدهند چون وقتی کار به انتها برسد، می‌فهمند که کار خودش، بهترین بوده است.

مثلا شما وسط سیر مطالعاتی شهید مطهری می‌آید مدرسه قرآن و همین که آن را تا وسط پیش برده‌اید، مجددا با یک سیر دیگر انتخاب می‌کنید.

پس انتخاب‌های اول مهم می‌شود. یعنی من کاری را شروع نمی‌کنم و اگر شروع کردم باید قطعه قطعه‌اش مشخص باشد. یعنی امتداد عمل را کوتاه می‌کند تا به نتیجه برسد. یعنی به جای عملی که ۲۰ ساله به نتیجه می‌رسد، آن را به ۵ سال، ۵ سال تقسیم می‌کند تا بازمینی‌ها بهتر انجام شود.

بازنگری عمل نسبت به غایت انجام می‌شود. مثلا ما برای این که بتوانیم خوب بازنگری کنیم، از یک کاری که یک ساله باید انجام دهیم، یک هفته را آزمایشی می‌سنجیم و ذائقه‌بندی می‌کنیم و کار را شروع می‌کنیم. یعنی اول نتایج را بازنگری می‌کنیم و بعد براساس غایت، برنامه را می‌چینیم.

در بین ۱۰۰ کار، یکی را برگردی مشکلی نیست اما اگر این تغییر همیشگی باشد، خوب نیست.

بحث ما این بود که ادعیه روزانه حضرت زهرا(علیهاالسلام) در اعمال ممتد را بگوییم یعنی بگوییم که شما غیر اوقات، ۷ روز پیدا می‌کنید که کارهایتان بین روزهای هفته پخش می‌شود و این‌ها نیاز به یک سری حفظ‌ها و

القاءهای بیرونی دارند. نقش ادعیه روزانه حضرت صدیقه(علیهاالسلام) کارش این است که کاری که شروع می‌شود را به پایان نزدیک کند. وقتی شما روزها را می‌شمارید، هر روزی خاصیتی دارد اما قرار است شروع را به پایان نزدیک کند. شنبه وسط هفته می‌شود و سیستم نوشتنش مثل مغرب تا عصر است. می‌خواهم بگویم، شما یک‌سری خط‌هایی پیدا می‌کنید که برخی شروع و برخی پایان است. شنبه دعایی دارد که صرف نظر از شروع یا پایانش، ساختار حفاظتی خاص خودش را دارد.

هفته که می‌شود مثل این است که یک سیر جدایی به اعمال می‌دهد. یعنی کاری ندارد که عمل در شروع یا استمرار یا پایان است، در هر روزی که باشد سیستم حفاظتی را روی آن نصب می‌کند.

مثلا یک گردی دارم که روزهای هفته را سیرگونه دارد، این روزها القایی پیش می‌روند و روی آن اعمال سوار می‌شوند، و در خود ۷ روز یک جریان مستمر دارد. یعنی آن عمل در هر مرحله‌ای که هست باید القای یک، دو، سه، ... تا هفت را به ترتیب نوش جان کند. مثل یک تیمار است که از اول تا پایان، باید پیش برود.

نتیجه بحث جلسه قبل:

۱- برای رسیدن به عمل خیر؛ اعمال خیر در امتدادی مشخص قرار دارند و دارای نقطه آغاز و نقطه پایان هستند و برای این که عمل خیر باشد، باید بتوان نقطه آغاز و پایان اعمال را احصاء کرد. حداقل در مورد اعمالی که امتداد کاملا واضحی دارند و اثرگذار هستند در زندگی هر فردی این احصاء باید صورت گیرد. ممکن است از نظر تعداد کم باشند اما اینها تمام زندگی را تحت تاثیر قرار می دهند؛ مثل شغل که بقیه اعمال را تحت تاثیر قرار می دهند.

برخی از اعمال نتیجه صفت هستند که ما به آنها کاری نداریم؛ اینکه اعمالی نتیجه یک صفت هستند مانند بخشندگی، اینها دارای امتداد صفتی هستند. در کتاب «چهل اقدام جهت صالح سازی اعمال» به چنین اعمالی اشاره شده است، اعمالی که امتداد دارند اما امتدادشان در مسیر یک صفت است. مثلا کسی حرفی می زند و شما از کوره در می روید، این را می توان با توجه به صفت احصاء کرد. برخی از اعمال امتداد کاملا واضحی دارند و باید ابتدا و انتهای آنها مشخص باشد. هر چقدر امتداد اعمال بلندتر باشد، زمان پژوهش آن برای این که شروع شود یا نشود بلندتر می شود. جایگاه عمل نزد خدا خیلی مهم است. مطمئنا چون در مورد اعمال خیر صحبت می شود و نیت درست است حتما اعمال خدایی است.

۲- فهرستی از اعمال را تهیه کنید. فرض کنید زلزله ای معنوی اتفاق افتاده است و ما را به هم ریخته است و فهرستی از اعمال خودمان را مشاهده می کنیم و بررسی می کنیم که هر کدام در چه مرحله ای هستند.

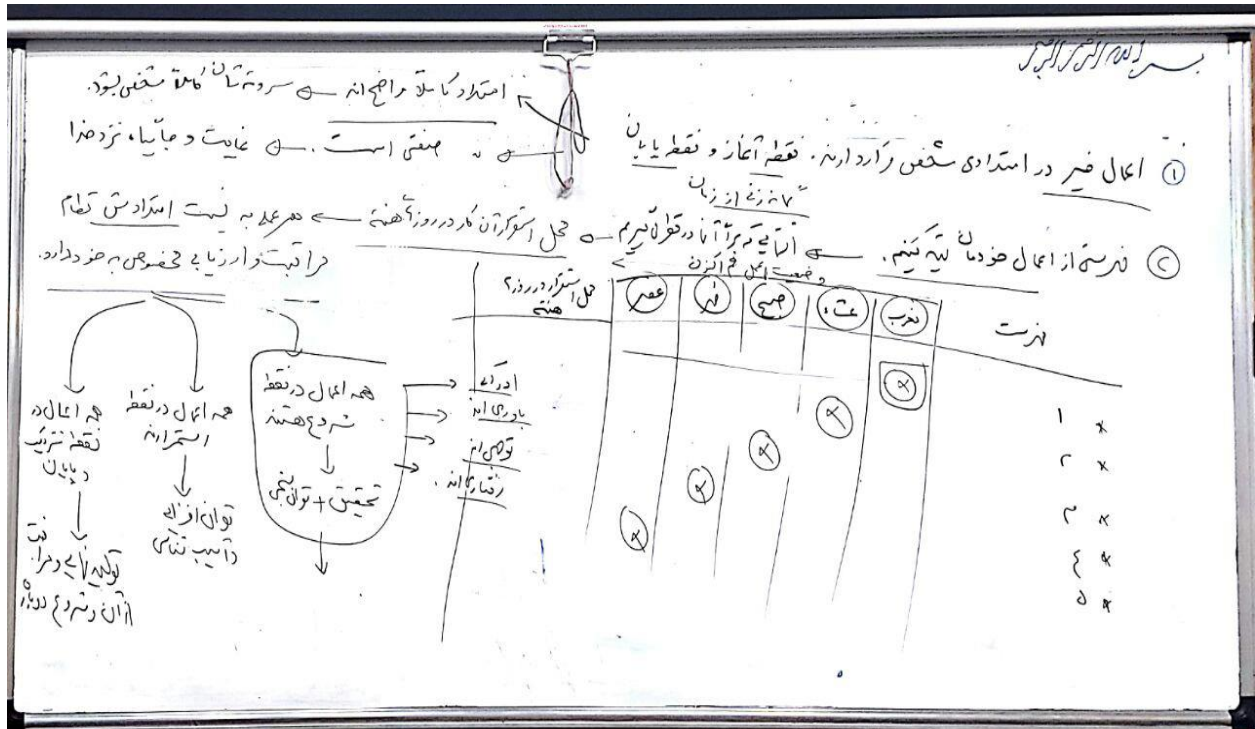
۳- بر اساس انتهایی که برای آنها در نظر می گیریم مشخص می کنیم که هر عمل در کدام منطقه است. عمل در یکی از پنج بخش مغرب، عشاء، صبح، ظهر و عصر قرار می گیرد. صبح منطقه تولید است. مثلا مطالعه سیر شهید مطهری که فرضا ۴۰ کتاب دارد با این غایت که با نظریات ایشان آگاه شوم. در اثر خواندن این کتابها به ذهنم می رسد که خلاصه ای از متنها را داشته باشم یا فهرستی از شبها را یادداشت کنم. هر زمان مسیر مطالعه به تولید رسید، یعنی کار به مرحله بازدهی رسیده است. یکی از مشکلات افراد، رها کردن کار با دیدن اولین آثار و نتایج است.

۴- جایگاه و محل استقرار آن کار در روزهای هفته مشخص شود. بعد از نوشتن کارها، هر کدام از کارها در روزهایی مستقر می شوند.

اگر کسی بتواند نقطه آغاز را حدس بزند و پایان را مشخص کند؛ یعنی در واقع سیر عمل را می‌سنجد.

فرد از نظر سیر رشد یکی از حالات را دارد مثل این که در سن جوانی، میانسالی و ... است. این اقتضانات بر این سیر برنامه احاطه دارد. نسبت کارها با مراحل رشد را در نظر گرفتن مهم می‌شود. برخی از کارها ممکن است با توجه به این اقتضانات درست، نادرست یا وابسته به رویکرد باشد. فعلا با این بحث کاری نداریم.

هر کاری نظام مراقبتی پیدا می‌کند. هر عملی به نسبت امتدادش و این که در کجا قرار دارد، نظام مراقبت و ارزیابی مخصوص به خود پیدا می‌کند. همه اعمالی که در نقطه شروع هستند، حتما باید در موردشان تحقیق و توان‌سنجی صورت بگیرد. همه اعمالی که در نقطه استمرار هستند باید در مرحله توان‌افزایی و آسیب‌شناسی قرار گیرند. همه اعمالی که در نقطه نزدیک پایان و پایان هستند، باید تولید نهایی و مراقبت از آن و شروع دوباره در موردشان صورت گیرد. اعمال همه در سیطره این قواعد هستند. تعقیبات مغرب، عشاء و ... برنامه‌ای برای شروع و استمرار و پایان هر کاری است. هر کار عشایی و هر کار مغربی و غیره... هر کدام یک آیین‌نامه‌ای دارند که توسط حضرت صدیقه زهرا (علیهاالسلام) بیان شده است. بطور طبیعی برخی از این موارد باوری هستند و برخی توجهی و برخی رفتاری هستند.

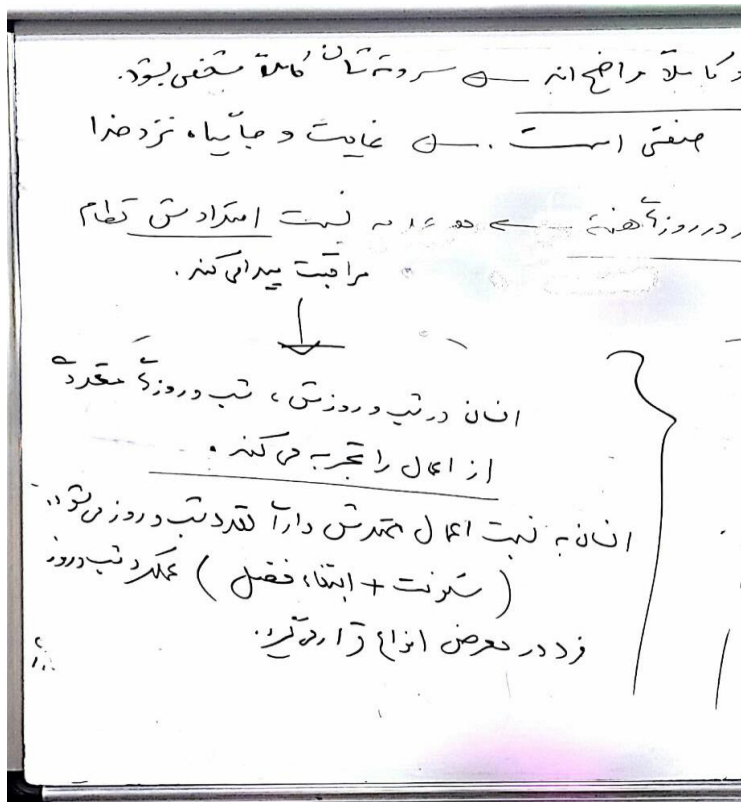


صفت «کمال» در نقطه شروع و پایان متفاوت است. «حمد» در شروع و پایان متفاوت است. نقصی که در شروع می- بینید با نقصی که در انتهای کار می بینید، متفاوت است بنابراین «تسبیح»ها متفاوت می شود. «اتصال به ربوبیت» و «توجه به اسماء» در ابتدا و انتهای کار یکسان نیست. بنابراین برای هر کاری می توان این توقع را داشت که حمدهای هر مرحله را بررسی کرد.

مثلا عملی مثل سیر مطالعاتی را انتخاب کرد و به نسبت، شروع و پایان آن ها را در تعقیبات بررسی کرد. فهم این حمدها و تسبیح ها تعلیمی است. مگر در مواردی فهم آن به صورت شهودی در سیر کاری اتفاق بیافتد. نوع حمد در شروع و اتمام را می توان به وضوح بیان کرد و فرد در حین انجام عملی می تواند آن را ببیند.

انسان در شب و روز قرار دارد اما اعمالش می تواند در مناطق مختلفی باشد و شب و روزهای متعددی را در طول یک شب و روز داشته باشد. زمان ها در هم تداخل پیدا می کنند و این خیلی قدرت انسان را بالا می برد. انسان به نسبت اعمال مستمر و ممتد لاش، شب و روز پیدا می کند.

«سکونت» و «ابتغاء فضل» را در یک روز می توان به کرات تجربه کرد و فرد در معرض انواعش قرار می گیرد.



(انسان در حوزه تسخیر، این کار را انجام می‌دهد. گیاهان دارای شب و روز هستند و فرد گیاه‌شناس کاری می‌کند که زمان را برای آن کنترل می‌کند و شب و روزهای آن گیاه را زیاد می‌کند. مهم‌ترین نقش را در تسخیر زمان دارد. نور و ظلمت به عنوان اساس تسخیر است. حتی دما و ارتفاع و ...، مولفه‌های وابسته هستند.)

فهرستی از کارهایتان دارید. کارها مشخص است. این که هر کدام در چه منطقه‌ای است و چه آیین‌نامه‌ای دارد، مشخص است. در واقع هر کدام از کارها امامی پیدا می‌کنند و هر کدام تحت سیطره یکی از تعقیبات قرار می‌گیرند. این کار را که انجام می‌دهیم، روزهای هفته هم خودشان را نمایان می‌کنند. شنبه تا جمعه هم وارد این جدول می‌شود.

حالات انسان هم متأثر از این روزهاست. در برخی روایات آمده است که شروع کارها از چهارشنبه است. جلسه اخلاق برخی از علماء روزهای چهارشنبه بوده است. جمعه شبیه به صبح و چهارشنبه مغربی می‌شود. جمعه آن قدر در صبح ظهور دارد که یک نماز چهار رکعتی‌اش را دو رکعتی می‌کند و نماز در طول روز است اما می‌گوید بلند بخوان.

جمعه می‌شود سیدالایام و چهارشنبه می‌شود یوم‌الشروع. با ایجاد تمایز در روزها هیمنه روزها را تغییر می‌دهد و به ایام هفته سیر می‌دهد. در مناطق اداری روزهای جمعه تعطیل می‌شود اما این روایات در شرایطی گفته می‌شود که افراد در حکم کشاورز هستند. برای یک کشاورز چه تفاوتی می‌کند ایام هفته؟ در مکان‌های شهری بانک چون جمعه است تعطیل می‌شود، در صورتی که کشاورز باید به درخت آب دهد، چه فرقی می‌کند که چه روزی است. در نظام دینی سر این پنجشنبه و جمعه دعوا شد، یهود همان معامله‌ای که سر قبله داشت، با ایام هفته نیز داشت.

فهرستی از اعمال خودتان را تهیه کنید و حتماً برای آنها انتهایی در نظر بگیرید. کار بی‌انتهای، کار نیست. کسی کار بدون انتها و بدون تخمین از زمان انتهای کار نداشته باشد.

وقتی جنگ شروع شد، نمی‌دانستیم که قرار است چقدر طول بکشد. بنابراین شهدا چنین برنامه‌ریزی کردند که مدت زمان جنگ را بستر گرفتند و گفتند باید تا رفع فتنه در عالم بجنگند و گفتند غایت‌مان دو حالت بیشتر نیست، یا شهادت یا فرماندهی در حد نهایت. جنگ را نمی‌توان دوره‌بندی کن یا مثلاً اختلاف خانوادگی در اختیار فرد نیست، اما می‌توان غایت از بودن در شرایط را مشخص کرد.

جریان انتہادار کردن امور، با آرزوهایی که در اختیار فرد نیست نباید یکی شود. انتهای کار را باید به جریان فکری تبدیل کرد. هفته‌های اولیه جنگ است و تازه وارد جنگ شده‌اید. بعد از مدتی باید تجربه حضور شما در اختیار بقیه قرار بگیرد. این باید در رویکرد افراد باشد. اگر کسی در ذهنش به دنبال فرمانده شدن نباشد، این خیانت به جنگ است. فردی که چندین سال در جنگ بوده است یا باید با خود بگوید روزها و شب‌های من در جنگ با کسی که تازه از ره آمده است، یکی است یا متفاوت است. اگر متفاوت است باید بتواند آن تجربه را در اختیار دیگر افراد قرار دهد.

کسی که بیست سال معارف قرآنی را خوانده و هنوز به خروجی نرسیده است، خیلی بد است. گویی انقلاب برای شخصی هزینه کرده است و خود آن فرد قائل به انتقال آن چه آموخته است، نباشد! خاصیت عباد الرحمن این است که امامت می‌خواهد و «عصر» هر کاری امام شدن در همان کار است. اگر قائل به چنین نظامی نباشیم، وارث چیزهایی می‌شویم و بعد به بهانه‌های مختلف آن را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهیم.

سیر کارها اگر مشخص باشد، این اتفاقات می‌افتد.

در هفته اصل را می‌گذاریم بر روز جمعه. همه آن چه در جمعه می‌خواهیم، بر همه ایام سیطره می‌یابد. این آیین‌نامه مربوط به کسی است که اوقات را رعایت کرده باشد.

با توجه به مضامین این دعاها در صحیفه فاطمیه:

- **روز جمعه:** بازنگری داشتن نسبت به عمل است از حیث «قرب» و «اخلاص». روز جمعه شارژکننده اعمال است و روز ترمیم با کمک «صلوات». خاصیت این روز می‌شود؛ ترمیم از نظر اخلاص عمل، محبت، قرب و توجه با صلوات. یک ترمیم‌کننده بیرونی می‌خواهد.
- **روز پنجشنبه:** در حکم پیش مقدمه روز جمعه است. لیست نواقص را استخراج می‌کند و آن چه را نیاز دارد لیست می‌کند. صلوات از نوع شناخت انواع ناتوانی‌هاست. «جهل»، «ضعف» و «فقر» دارد. اعمال را به این ترتیب پنجشنبه‌دار می‌کنیم. «دعا» بزرگترین خدمتی که به نوع بشر کرده است این است که لایه به لایه ظلمات را برطرف می‌کند و نورهای مختلفی را به او می‌چشاند.
- **روز چهارشنبه:** بحث «حراست» است. «حرزخواهی» و «مصونیت‌طلبی» است. ایجاد و قرار گرفتن در حریم امن است.

توجه دوازده گانه انسان را خیر می کند. اعمال خیر را باید بر اساس حبّ و یسر انتخاب کنید و به وجه خیر بودنش توجه کنید؛ این وجوه شد دوازده وجه. برای جاری کردن خیر در امور باید از این دعا «فی طلب حیاه طیبه و تیسیر الامور» استفاده کرد. بعد که خیر بودن این عمل مشخص شد به سراغ امتدادش می رویم. همه این ها در «دوره-شناسی» و «رشدشناسی» و «اقتضاءشناسی» قرار می گیرد.

دعای «فی طلب حیاه طیبه و تیسیر الامور» دوره شناسی ما است و کمک می کند تا دوره رشدمان را تشخیص دهیم. هر امامی مؤلفه ای تعیین می کند که بینیم آن کار مخصوص ما هست یا خیر.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات